



هشدار جدی روسیه به ترکیه و ناتو با نمایش قدرت در دریا

براساس خبری که روز گذشته منتشر شد یک فروند زیردریایی اتمی روسیه وارد آب های مدیترانه و نزدیک سواحل سوریه شده است. اوایل هفته جاری نیز یک ناو جنگی روسیه در حالی از تنگه بسفر ترکیه عبور کرده بود که موشک‌اندازهای خود را به سمت ساحل این کشور نشانه رفته بود.

به گزارش آران نیوز: براساس خبری که روز گذشته منتشر شد یک فروند زیردریایی اتمی روسیه وارد آب های مدیترانه و نزدیک سواحل سوریه شده است.

رویترز به نقل از اینترفاکس گزارش داد، زیردریایی مذکور مجهز به موشک های کروز است. منبع مطلع این گزارش همچنین گفته است که رزمناوهای روسیه مستقر در دریای خزر نیز از این موشک ها برای حمله به اهداف گروه تروریستی داعش استفاده می‌کنند.

این نوع زیردریایی به سیستم صوتی هیدرولیکی مجهز است که از چهار ایستگاه تشکیل و در زیردریایی نصب شده است و این امکان را می دهد که زیردریایی همزمان 12 کشتی دشمن را ردیابی کند.

در این راستا مقام‌های وزارت دفاع روسیه اعلام کردند که نیروی دریایی این کشور استفاده از دو زیردریایی هسته‌ای جدید را در تابستان سال جاری آغاز می‌کند.

الکساندر سوخروف، معاون اول وزیر دفاع روسیه در این زمینه اعلام کرد که زیردریایی "یوری دلگوروی" Yuriy Dolgorukiy باید تا پیش از 15 ژوئن آماده استفاده شود. به گفته وی ، زیردریایی "الکساندر نوسکی" Alexander Nevskiy نیز تا ماه اگوست آماده ورود به ناوگان روسیه خواهد بود.

در همین حال روز یکشنبه خبر رسید یک رزم‌ناو روس از تنگه‌ی بسفر در نزدیکی سواحل ترکیه عبور کرده است. این ناو درحالی از آبهای ترکیه عبور می‌کرده که یک سرباز روس، موشک‌اندازی را به سمت ساحل ترکیه نشانه رفته بوده اقدامی که «چاووش اوغلو» وزیر خارجه‌ی ترکیه آن را تحریک‌آمیز می‌خواند.

این قدرت‌نمایی روسیه در کنار اقدام ترکیه در تجاوز به خاک عراق نشان می‌دهد که غرب آسیا در هفته‌های آتی، آبستن حوادث مهم‌تری خواهد بود؛ حادثی که به نظر نمی‌رسد روسیه قصد داشته باشد پای خود را از آن کنار بکشد.

مانور نظامی هسته ای روسیه و نمایش قدرت این کشور، در امتداد تلاش های ولادیمیر پوتین در سال های اخیر، برای استفاده از منابع قدرت این کشور در دفاع از منافع بوده که مسکو برای خود قائل شده است. با اینکه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روس ها انتظار داشتند به عنوان شریکی برابر در بازی های جهانی حضور پیدا کنند، اما در تحولات دو دهه اخیر، پی بردند که آمریکا چنین موقعیت و جایگاهی را برای روسیه نپذیرفته و حاضر نیست نقش روسیه را در بازی سیاسی بین‌المللی به رسمیت بشناسد.

به این ترتیب روسیه پس از آنکه سال‌ها تحت حاکمیت لیبرال‌های نزدیک به غرب مثل یلتسین، ترجیح می‌داد تا نقش یک بازیگر دست دوم را بازی کرده و به حسن نیت غرب امید داشته باشد؛ اکنون و با مشاهده‌ی بی‌نتیجه بودن این رویکرد، خود به فکر محافظت از منافعش افتاده است. بنابراین آنچه که در آیین نظامی جدید روسیه انعکاس یافت و در پایان سال گذشته میلادی مورد تایید پوتین قرار گرفت، یا اقداماتی که در اوکراین در جریان است، در واقع تداوم سیاست ها و نگرش هایی است که در بیش از دو دهه گذشته در کرملین تکامل پیدا کرده است.

در بررسی روند تغییر رفتار روسیه طی این سال‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که آمریکایی ها و کشورهای بزرگ اروپایی، عمده‌ترین نقش را در تغییر نگرش رهبران روسیه داشته‌اند. رفتارهای آنها، چه در حوزه آنچه خاور نزدیک می‌نامند و چه در موضوع گسترش ناتو به سوی شرق، به طور فزاینده ای بدبینی و بی اعتمادی روس ها را دامن زده است.

آنچه که امروز شاهد آن هستیم، تغییر اساسی در نگرش روسیه نسبت به جهان پیرامون و روابط آن با کشورهای غربی و به ویژه آمریکا است. روس ها که روزگاری ناتو را تهدید نمی دانستند، امروز به روشنی آن را برای کشور خود نه تهدید که یک خطر معرفی می کنند و ناتو را دشمن روسیه تلقی کرده اند. این نگرش و رفتار، نتیجه تجربه بیش از دو دهه گذشته پس از فروپاشی اتحاد شوروی برای رهبران روسیه است که باعث شده تا روس ها استفاده از همه منابع قدرت خود را که به ویژه در سطح سیستم های استراتژیک و سلاح های هسته ای برتری آن آشکار می شود، مورد توجه قرار دهند

علاوه بر آن تهدیدهایی مانند داعش و مسائل ناشی از گسترش تروریسم و افراط گرایی، همان تهدیدی که اروپا و آمریکا نیز از بازگشت نیروهای تندرو در این سرزمین ها احساس می کنند، در مسکو هم کاملا موضوعیت دارد. بنابراین نباید این رفتار را با نادیده گرفتن وجوه دیگر سیاست خارجی روسیه تفسیر کرد. روس ها کاملا توجه دارند که برای دفاع از منافع خود، قاعده بازی را به طور کامل رعایت کنند، ضمن اینکه منافع خود را با استفاده از همه اهرام های موجود دنبال می کنند، همکاری و مشارکت در حوزه های دفع تهدیدات و جلب منافع مشترک را نیز فراموش نخواهند کرد.

در این میان ترکیه به عنوان رسمی‌ترین حامی تروریست‌های مخالف سوریه، تضاد منافع زیادی با روسیه دارد؛ تضادی که روز به روز بر دامنه‌ی آن افزوده می‌شود. ترکیه این روزها تحت سیطره‌ی تئوری احمد داوودوگلو مبنی بر احیای امپراتوری بزرگ عثمانی که به عنوان «نوعثمانی‌گری» شناخته می‌شود؛ با اغلب همسایگانش دچار تنش و اختلاف شدید شده است. این کشور نزدیک به 5 سال است که از تروریست‌های مخالف نظام سوریه حمایت مالی، تسلیحاتی و لجستیک می‌کند. ارمنستان، یونان و مقدونیه نیز دشمنان سنتی این کشور در میان همسایگانش محسوب می‌شود. تجاوز نظامی به عراق سبب تیره شدن روابط آنکار با همسایه‌ی جنوبی‌اش شده. ایران نیز اخیرا

از ترکش سخنان خشم‌آلود مقامات ترکیه مصون نمانده و روابط این کشور با روسیه نیز روز به روز تیره تر می‌شود؛ به این ترتیب این کشور در تنش‌آفرینی‌های اخیر چشم امید خود را به حمایت ناتو دوخته است؛ ناتویی که اخیراً نشان داده چندان رغبتی به درگیری در این بحران‌آفرینی ندارد اما از طرفی نیز اعتبار خود را در گرو حمایت از اعضا می‌بیند.

با این تفاسیر مانور ناو روسی و زیردریایی‌های فوق پیشرفته‌ی این کشور در روزهای اخیر و در نزدیکی آب‌های ترکیه را می‌توان به عنوان هشدار به حامیان رژیم آنکارا تلقی کرد. اگرچه به نظر می‌رسد آنها به خوبی می‌دانند که روسیه علیرغم تمامی فشارها، همچنان دست برتر را در توان نظامی جهان داراست.

در کل از هنگامی که پوتین روند بازبازی قدرت نظامی روسیه را آغاز کرده است، همواره به موضوع گسترش تسلیحات هسته‌ای استراتژیک به عنوان یک اولویت عمده نگریسته است. در این میان ساخت و توسعه موشک‌های قاره‌پیمای جدید و هم‌چنین زیردریایی‌های هسته‌ای دارای قابلیت حمل و شلیک موشک‌های قاره‌پیمای به عنوان یکی از تسلیحات کلیدی در زرادخانه هسته‌ای روسیه برای ایجاد بازدارندگی در مقابل غرب و بویژه آمریکا همواره مورد توجه سران روسیه است.

با وجود تبلیغات علیه روسیه برای کاستن از توانایی نیروی دریایی اما همچنان توانایی آن را دارد که در صدر نیروهای برتر نظامی در جهان باشد. زیردریایی‌های اکولا در صدر زیردریایی‌های جهان قرار دارد و سپس زیردریایی‌های بوریه ساخت روسیه در ردیف دوم است و پس از آن زیردریایی آمریکایی اوهاییو در رتبه سوم جای گرفته است.